

دور یادور دنیا
۱۶

آمریکا / نیل سایمون
پزشک نازنین
بر اساس داستان‌های کوتاه آن‌تون چخوف
ترجمهٔ آهو خردمند



USA
Neil Simon
«The Good Doctor»



پیش‌گفتار

در میان نمایشنامه‌نویسان بیست سال اخیر، هیچ‌کدام به اندازه نیل سایمون در برادوی موفقیت به دست نیاورده‌اند و در میان نمایشنامه‌نویسان روسی، هیچ‌کدام تا به حال به اندازه آنتوان چخوف محبوب و موفق نبوده‌اند. برخوردارِ تئاترِ داستان‌های کوتاه آن نمایشنامه‌نویس بزرگ با این نویسندهٔ محبوب نیمهٔ قرن بیستم، نمایشنامهٔ بسیار جذابی را پدید آورده که مجموعهٔ دور تا دور دنیا آن را در حد ممکن در اختیار شما می‌گذارد.

برای انتشار این نمایشنامه مدت‌ها درنگ کردیم و از آن جایی که چاپ متن نیل سایمون ممکن نبود، حتی تصمیم داشتیم از آن صرف‌نظر کنیم. اما با توافق مترجم، خانم آهو خردمند و از آن جایی که نمایشنامه بر اساس داستان‌های کوتاه نوشته شده و دارای چندین صحنهٔ کوتاه است که نبودن برخی از آن‌ها لطمهٔ زیادی به نمایشنامه نمی‌زند، به این نتیجه رسیدیم که بودن این کتاب به‌رحال بهتر از نبودنش است. نمایشنامه‌های این مجموعه، بر اساس خلاقیت‌های ویژهٔ صحنه‌ای،

دراماتیک، شخصیت‌پردازی و غیره... انتخاب می‌شوند و تا به امروز غیر از چند استثنا (هاراویتز، ادوارد آلبی، آرتور میلر...) کم‌تر نمایشنامه‌نویسان آمریکایی مورد توجه دور تا دور دنیا قرار گرفته‌اند. شاید هم دلیلش همان تئاتر برادوی باشد که بیش‌تر به یک کارخانهٔ سرگرم‌کننده تبدیل شده که در آن اصالت واقعی تئاتر کاملاً فراموش گشته است و غیر از چندین نمایشنامه‌نویس مستقل که هنوز تئاتر آمریکا را زنده نگه داشته‌اند، سایر نمایشنامه‌نویسان این کشور سال‌هاست سیر نزولی طی می‌کنند.

این نمایشنامه، شاید به خاطر روح «اسلاو» چخوف که در آن دمیده شده یکی از آن استثناهاست. گفتنی است در سال ۱۳۸۴ بخش‌هایی از این نمایشنامه، با ترجمهٔ شهرام زرگر، مترجم بسیار خوب تئاتر کشورمان، در سیمای جمهوری اسلامی نیز اجرا و پخش شده است.

پردهٔ اول. صحنهٔ اول

نویسنده (در اتاق مطالعه پشت میز نشسته. روبه

تماشایان)

نه، نه. هیچ اشکالی نداره، به هیچ وجه مزاحم نیستید... راستش بیش‌تر دوست دارم حرف بزنم تا کار کنم... با این وجود هر روز این‌جا می‌شینم، یه فکر می‌آد تو سرم دیگه ولم نمی‌کنه. باید بنویسم... باید بنویسم، باید بنویسم... این‌جا اتاق کار منه. داستان‌هام رو این‌جا می‌نویسم. خودم ساختمش. اتاق رو می‌گم. یعنی چوب‌ها رو خودم بریدم و... اوه نمی‌دونید، نمی‌دونید چه کثافت‌کاری‌یی کردم. میزم رو گذاشتم این‌ور اتاق چون سقف اون‌ور چکه می‌کرد، درست می‌افتاد روی میزم. میز رو آوردم این‌ور، البته